

The Rhetoric of Nomination in *Suvashun* based on Van Leeuwen's model of social actors (Nomination and Categorisation)

Nahid Ashrafi¹-Ibrahim Ranjbar^{2*}-Seyyed Ahmad Parsa³

1: PhD Student of Tabriz University

2: Corresponding Author: Associate Professor of Tabriz University
(ranjbar87@gmail.com)

3: Professor of University of Kurdistan

Within the framework of critical discourse analysis, Theo Van Leeuwen's social network representation model shows the hidden layers of meaning by examining the contrasting functions in linguistic choices. This paper focuses on a descriptive analytical study of the discourse structure in *Suvashun* based on nomination and social actors categorisation in Van Leeuwen's model. The purpose of this study is to show the importance of linguistic usage in discourse analysis of the text and the level of influence of discourse elements such as power, ideology and politics on the author in the representation of social actors. Comprehending a story depends as much on "socio-semantic" features as on the appearance of the language. In *Suvashun*, Daneshvar expresses the political, social and cultural issues of her time in symbolic language. She also portrays individual and social changes, especially in women, by making full use of symbolic names. The results of the study suggests that nomination and categorisation and their subsets, especially informalization, are used more frequently. Moreover, the implication of names and social classes is consistent with the author's viewpoint and perspective and influenced by power, ideology and politic. While the author uses symbolic Iranian and Islamic names to show the inseparable connection between Iranian and Islamic thoughts, she depicts the tension related to Iran cultural transition from tradition to modernity and the evolution of social and individual criteria. Furthermore, she uses discursive features to sketch a new social role for Iranian women so as to explain their role in the social transition.

Keywords: Critical Discourse Analysis, *Suvashun*, Social actors, Nomination, Categorisation.

-Ashrafi, N., Ranjbar, I., Parsa, S.A. (2023). The Rhetoric of Nomination in *Suvashun* based on Van Leeuwen's model of social actors, 13(30), 7-30.

[Doi: 10.22075/jlrs.2022.23452.1917](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.23452.1917)

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۳ - شماره ۳۰ - زمستان ۱۴۰۱

صفحات ۷-۳۰ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۰/۰۲/۲۹ - بازننگری ۱۴۰۰/۱۱/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۸

بلاغت نام‌گزینی در رمان «سوشون» بر اساس الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون (نام‌دهی و طبقه‌بندی)

ناهید اشرفی / ابراهیم رنجبر* / سیداحمد پارسا^۳

۱: دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تبریز

۲: دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) ranjbar87@gmail.com

۳: استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کردستان

چکیده: الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، با بررسی کارکردهای تقابلی در گزینش‌های زبانی، لایه‌های پنهان معناسازی را نشان می‌دهد. در این پژوهش با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، ساختار گفتمانی رمان «سوشون» سیمین دانشور (۱۳۰۰-۱۳۹۰) را بر مبنای چگونگی گزینش نام‌ها و شیوه طبقه‌بندی کنشگران در الگوی ون لیوون بررسی کرده‌ایم. هدف این پژوهش نشان‌دادن اهمیت کاربردهای زبانی در تحلیل گفتمان اثر و میزان تأثیرپذیری نویسنده از عناصر گفتمانی چون قدرت، ایدئولوژی و سیاست در بازنمایی کنشگران اجتماعی است. دانشور در سوشون مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر خود را با زبانی نمادین بازگو کرده است. وی همچنین با انتخاب نام‌های نمادین و استفاده از جلوه‌های مختلف آن، تحولات فردی و اجتماعی را به‌ویژه در زنان به تصویر کشیده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نام‌دهی و طبقه‌بندی و زیرمجموعه‌های آن‌ها به‌ویژه نام‌دهی غیررسمی، در سوشون کاربرد بیشتری دارد و نحوه استفاده از نام‌ها و طبقات اجتماعی منطبق با دیدگاه و اهداف نویسنده و متأثر از مؤلفه‌های قدرت، ایدئولوژی و سیاست است. نویسنده از سویی با انتخاب نام‌های نمادین ایرانی و اسلامی، پیوند میان اندیشه‌های ایرانی و اسلامی را ناگسستنی جلوه می‌دهد و از سوی دیگر، کشمکش‌های مربوط به گذر ایران از سنت به مدرنیته و تحول معیارهای اجتماعی و فردی را به نمایش می‌گذارد. علاوه بر این، با استفاده از مؤلفه‌های گفتمانی، نقش اجتماعی جدیدی را برای زنان ایرانی طرح می‌کند تا اهمیت نقش آنان را در تحولات اجتماعی تبیین کند.

کلیدواژه: تحلیل گفتمان انتقادی، سوشون، کنشگران اجتماعی، نام‌دهی، طبقه‌بندی.

اشرفی، ناهید؛ رنجبر، ابراهیم؛ پارسا، سید احمد (۱۴۰۱). بلاغت نام‌گزینی در رمان «سوشون» بر اساس الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون (نام‌دهی و طبقه‌بندی). مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۰، صفحات ۷-۳۰.

Doi: [10.22075/jlrs.2022.23452.1917](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.23452.1917)

۱. مقدمه

ارتباط گفتاری و نام‌گذاری نمادین در رمان سووشون (۱۳۴۸) دقیق و هدفمند است؛ از این رو، این رمان از لحاظ ساختار گفتمانی بر مبنای دو مؤلفه «نام‌دهی» و «طبقه‌بندی» شایستگی بررسی دارد. در بررسی حاضر، چارچوب تحلیل مبتنی بر الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی ون‌لیوون^۱ (۱۹۹۶) است که خود رویکردی از تحلیل گفتمان انتقادی بر مبنای نظریات فلسفی فوکو^۲ (۱۹۲۶-۱۹۸۴) و زبان‌شناسی نقش‌گرایی هالیدی^۳ (۱۹۲۵-۲۰۱۸) است. «تحلیل گفتمان انتقادی سیر تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناسی است و تحلیل گفتمان را به لحاظ نظری... از حد توصیف صرف داده‌ها فراتر می‌برد و بستر و بافت موقعیتی پیرامون آن را گسترش می‌دهد» (آفاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۳) و علاوه بر فلسفه و علوم اجتماعی، گستره وسیعی از هنر به دست می‌دهد. در ادب روایی، زبان بیشترین ارتباط را با عناصر اجتماعی دارد؛ زیرا «روایت یکی از اصلی‌ترین راه‌هایی است که به انسان امکان می‌دهد تا تجربیاتش را در چهارچوب اپیزودهایی که به لحاظ زمانی معنا دار هستند، سامان بدهد... روایت، هم شیوه‌ای از استدلال است، هم شیوه‌ای از بازنمایی» (Richardson, 1990: 118). برای شناخت رابطه جامعه با زبان، بحث درباره پیوندهای نظام اجتماعی و چگونگی بازنمایی کنشگران در آثار روایی، بر اساس یک الگوی جامعه‌شناختی - معنایی اجتناب‌ناپذیر است. تحلیل متون روایی بر اساس نظریه ون‌لیوون می‌تواند زمینه ورود به لایه‌های زیرین متن و کشف ایدئولوژی حاکم بر آن را فراهم سازد. روایت‌ها بستری مناسب برای انتقال یا تثبیت ایدئولوژی خاص هستند (فلاح و شفیع‌پور، ۱۳۹۹: ۲۹۸). کنشگران آثار روایی، واقعی نیستند و حتی گاهی نمادین‌اند؛ بنابراین لازمه ورود به این حوزه، نگاه دقیق و جامع به مسائل اجتماعی است؛

1. Van Leeuwen
2. Foucault
3. Halliday

بلاغت نام‌گزینی در رمان «سووشون» بر اساس الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی... — ۹

به‌ویژه اگر هدف پژوهش، تحلیل گفتمان انتقادی و چگونگی بازنمایی کنشگران اجتماعی باشد. در اینجا برای ارائه نتایج دقیق‌تر، تحلیل را به دو مؤلفه نام‌دهی و طبقه‌بندی محدود کرده‌ایم.

در این پژوهش، برای تحلیل و تبیین دقیق اهداف تحقیق، از روش‌های کیفی و کمی و تحلیل کارکرد اجتماعی زبان بهره برده‌ایم. یکی از انواع طرح‌های روش کیفی، روش گفتمانی و گفتمان انتقادی است که واحد تحلیل در آن، متن گفتمانی و زنجیره نوشتاری بوده و واحد نمونه‌گیری؛ کلمه، سطر، جمله، استدلال، گرامر و ابعاد گرامری است. در این پژوهش، در کنار تحلیل کیفی، به تحلیل کمی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار نیز پرداخته‌ایم؛ بدین شکل که پس از شمارش مؤلفه‌ها و تعیین تعداد واحدها، بسامد به کارگیری مؤلفه‌ها را در این متن نشان داده‌ایم.

سؤالات اصلی این پژوهش عبارت‌اند از: میزان و چگونگی تأثیر نویسنده از عناصر گفتمانی، از جمله قدرت و ایدئولوژی و سیاست در بازنمایی کنشگران اجتماعی، میزان تأثیر طبقه اجتماعی نویسنده و دیگر طبقات اجتماعی جامعه او بر نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران این رمان و نقش‌ها و کنش‌های نوینی که نویسنده برای زنان جامعه خود بازگو می‌کند. برای تبیین این مسائل، از شبکه بازنمایی کنشگران اجتماعی ون‌لیوون در چارچوب روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی بهره گرفته‌ایم با این فرض که درک متن یک اثر داستانی به اندازه شکل ظاهری زبان، به مؤلفه‌های معنایی آن بستگی دارد و عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش مؤثری در تعیین مؤلفه‌های گفتمانی، همچون سازوکارهای نام‌گزینی و طبقه‌بندی دارند.

۲. پیشینه پژوهش

در بخش تحلیل گفتمان انتقادی این پژوهش، از الگوی چگونگی بازنمایی کنشگران اجتماعی (Van Leeuwen, 1996:66) و کتاب ون‌لیوون (۲۰۰۸) *Discourse and Practice* بهره گرفته‌ایم. این کتاب در نه فصل نوشته شده و هر فصل به یکی از مؤلفه‌های گفتمانی، یعنی کنشگران، اعمال، زمان، مکان و... پرداخته

است. ونلیوون با مطالعه کتاب‌های کودکان، گزارش‌های روزنامه‌ها و با ملاحظه عکس‌ها و اسباب‌بازی کودکان نشان می‌دهد که تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند به شکل گسترده‌ای کاربرد داشته باشد. یارمحمدی (۱۳۸۹، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۳) در آثار خود، بعد از آوردن کلیاتی درباره گفتمان‌شناسی و شیوه‌های تحلیل گفتمان و نظریات مختلف گفتمان‌شناسی انتقادی، به الگوی ونلیوون پرداخته و چگونگی تأثیر گرفتن این الگو از نظریه نقش‌گرای هالیدی را بیان کرده است. پس از آن، بر اساس الگوی ونلیوون، طرح شبکه کارگزاران اجتماعی را آورده است. وی نام‌دهی و طبقه‌بندی را در ذیل عنوان «مورد و طبقه» از مؤلفه‌های تصریحی در گفت‌وگو و عملکرد اجتماعی ذکر کرده است. الگوی ونلیوون دارای مؤلفه‌های مختلفی است و پژوهشگران در تحلیل متون، فقط بعضی از این مؤلفه‌ها را مبنای تحلیل خود قرار داده‌اند.

آقاگل‌زاده و همکارانش (۱۳۹۲) شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی را در پرونده هسته‌ای ایران در تعدادی از رسانه‌های بین‌المللی بررسی کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که کنشگران ایرانی، با نام‌دهی مستقیم و غیرمستقیم، در قالب گفتمانی منفی بازنمایی شده و کنشگران غربی منطقی و صلح‌طلب معرفی گردیده‌اند.

غلامعلی‌زاده و همکارانش (۱۳۹۶) نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی را در داستان *آل*، نوشته بهمن‌بیگی مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که بازنمایی کنشگران برای کنترل دیدگاه‌های اجتماعی است و نویسندگان با استفاده از نام‌دهی و طبقه‌بندی، ستم جامعه به زن را به تصویر کشیده است.

پژوهش مستقیمی در خصوص نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی در سوشون صورت نگرفته، اما آثار پژوهشی با رویکرد بررسی گفتمان درباره آن منتشر شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. پاینده (۱۳۹۴) فصل پنجم کتاب *گشودن رمان* را به تحلیل سوشون اختصاص داده است. وی بعد از تحلیل ویژگی‌های رمان و روایت آن، کشمکش داستان را بین دو گفتمان: یکی متکی به فراموشی تاریخی و دیگری، خودآگاهی تاریخی می‌داند که این کشمکش تا بلوغ

خودآگاهی در قهرمان داستان ادامه می‌یابد. احمدزاده (۲۰۰۳) در بخش پنجم کتاب/از رمان تا ملت، عناصر داستانی سووشون و هویت در ساختار اجتماعی آن را تحلیل کرده است. به عقیده او، دانشور از ادبیات به‌عنوان ابزاری برای بازسازی هویت مطلوب بهره برده است. حیدرپورفرد (۱۳۹۳) جایگاه زن را در سه رمان سووشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان، با استفاده از رهیافت ونلیوون تحلیل کرده است. او نتیجه گرفته است که دانشور خواهان تساوی حقوق زن و مرد و جامعه‌ای با نگرش نو به زن است. دسپ (۱۳۸۸) تحولات تاریخی، سیاسی و اجتماعی را بر اساس سطوح توصیف در رویکرد فرکلانف^۱ بررسی کرده است. قبادی و آقاگل‌زاده (۱۳۸۸) با استفاده از تحلیل گفتمان‌شناسی، چگونگی نگرش نویسنده در پردازش رمان را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نویسنده رویکرد ویژه‌ای به تحولات سیاسی و اجتماعی دوره معاصر دارد و میان عناصر اجتماعی، سیاسی و اسطوره پیوند برقرار کرده است. هرچند این پژوهش‌ها به ساختار کلی گفتمان اثر پرداخته‌اند، جای پژوهش درباره مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سووشون خالی است؛ به همین دلیل، ما مطالعه ساختارهای گفتمان‌مدار را مبنای تحلیل متن قرار داده‌ایم. در این تحلیل، ابتدا کنشگران اجتماعی را شناسایی کرده، سپس به شیوه بازنمایی آن‌ها پرداخته‌ایم و در پی یافتن چگونگی بازنمایی نام‌ها و طبقات، به‌عنوان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و شیوه‌های آن در این دوره ادبی-تاریخی بوده‌ایم تا نشان دهیم نویسنده برای ابراز عقاید و القای فکر به مخاطب، از کدام فنون و ساختارهای زبانی بهره برده است.

این پژوهش از لحاظ نوع داده‌ها و اهمیت گزاره معنایی در شیوه کاربرد داده‌ها، دارای نوآوری است و از نظر تحلیل چگونگی انتخاب نام‌ها و طبقه‌بندی کنشگران داستان، نه تنها در قالب الگوی ونلیوون، بلکه نتایج آن به‌عنوان انعکاسی از جامعه نویسنده، قابل تحلیل در دیگر نظریه‌های تکفا است. پیش از تحلیل شیوه‌های بازنمایی کنشگران رمان سووشون، زمینه‌های اجتماعی و فکری این اثر را بررسی می‌کنیم.

۳. سووشون و زمینه‌های اجتماعی

سووشون در ادبیات داستانی ایران اعتبار و اهمیت ویژه‌ای دارد و یکی از رمان‌های بنام دههٔ چهل و پس از آن است. یکی از دلایل مهم این شهرت، بهره‌گیری خوب نویسنده از بسترهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است که می‌تواند در دوره‌های مختلف، با مخاطب ارتباط برقرار کند.

طرح این رمان، روایت زندگی دو شخصیت اصلی به نام یوسف و زری در خلال حوادث سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ش (جنگ جهانی دوم) و حضور انگلیسی‌ها در شیراز است. یوسف در نتیجهٔ مخالفت با فروش غلات به انگلیسی‌ها و سیاست‌های رایج منطقه کشته می‌شود. فروش غله، نمادی از دشواری‌های فروش نفت است و نویسنده دشمنی‌های غرب با سیاست‌های مصدق را در قالب داستان بیان کرده است. اشارهٔ غیرمستقیم به کشته‌شدن یوسف در ۲۸ مرداد (رک: دانشور، ۱۳۸۰: ۲۶۰) با تیر نامعلوم، به مجهول‌ماندن علل سقوط مصدق اشاره دارد. زری در خلال کشمکش‌های داستان متحول می‌شود و در مقابل عوامل قدرت می‌ایستد تا توازن قدرت را بر هم بزند. سووشون در اواخر دههٔ چهل نوشته شده است؛ بنابراین از لحاظ گفتمانی، نویسنده قطعاً تحت تأثیر مسائل اجتماعی و سیاسی روز بوده است. او با پیوندزدن داستان‌های اسطوره‌ای، تاریخی و مذهبی با روایت‌ها و شخصیت‌های رمان، به بازنمایی واقعیت پرداخته است. در پی تحولات اجتماعی پرشتابی که از دههٔ بیست تا چهل در ایران پیش آمد، در سال‌های آغازین دههٔ چهل، توجه به رمان‌های اجتماعی بیشتر شد و تغییرات مشهود زندگی عمومی مردم و پیداشدن حاشیه‌نشینان شهرهای بزرگ که حاصل تحولات پیشین بود، خودش را در ادبیات روایی خودش نشان داد. هرچند رمان سووشون مستقیم به دههٔ چهل نپرداخته است، واقعیات آن را در پس‌زمینه‌های تاریخی اثر نشان داده و غیرمستقیم دربارهٔ آن سخن گفته است؛ بنابراین می‌توان گفت کنش یوسف در حمایت از رعیت و مخالفت ابوالقاسم خان (برادر یوسف و نمایندهٔ مالکان و طرف‌دار انگلیسی‌ها) با کنش‌های او، بی‌ارتباط با اصلاحات ارضی نیست. توجه به

بلاغت نام‌گزینی در رمان «سووشون» بر اساس الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی... — ۱۳

حقوق زنان که یکی از بندهای رفرم ۱۳۴۱ است، در کنش‌های زری مشهود است و تفاوت او با دیگر کنشگران داستان را رقم می‌زند. همچنین تأکید بر نهاد آموزش و ضرورت آموزش در اثر دیده می‌شود که در گفت‌وگوی یوسف با کلو و زری آشکار است و لازمهٔ آدم‌شدن را مدرسه رفتن می‌داند (دانشور، ۱۳۸۰: ۱۴۵). یکی دیگر از اصول انقلاب سفید، تأکید بر اسکان عشایر است که در سخنان ملک رستم به آن اشاره می‌شود (همان: ۴۸).

یکی از اهداف این رمان، نمایش تحولات الگوهای زندگی سنتی مردم ایران است که حاصل تغییرات اجتماعی است. از این دیدگاه، حفظ بنیان خانواده و به تعبیری جامعه، در گرو پذیرفتن تحول است؛ تحولی که از شخص شروع می‌شود و به جامعه تسری می‌یابد.

۴. تحلیل گفتمان انتقادی و چارچوب نظری ون لیوون

تحلیل گفتمان، از بخش‌های اصلی منشعب‌شده از زبان‌شناسی نقش‌گرا و «یک روش تحقیق بین‌رشته‌ای است که به مطالعه ساختارهای متن می‌پردازد و برای آنکه چگونگی تکوین معنا را توضیح دهد، ویژگی‌های زبانی و اجتماعی- فرهنگی متون را بررسی می‌کند» (مکاریک^۱، ۱۹۹۳: ۲۶۰). فرکلاف (۱۹۹۲: ۲۸) گفتمان را چیزی بیشتر از کاربرد زبان می‌داند. از نظر او، کاربرد زبان به شکل گفتاری و نوشتاری، عملی اجتماعی تلقی می‌شود. تگفا رویکرد جدیدی در مطالعات گفتمان است. «این رویکرد انتقادی معتقد است که عواملی چون بافت تاریخی، روابط مراکز قدرت در جامعه، نهادها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی و ایدئولوژیکی، متن و یا صورت زبان و معانی را به وجود می‌آورند» (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۲). در گفتمان‌شناسی انتقادی، تحلیل‌ها از سطح توصیف ساختارهای صرفی و نحوی زبان و چگونگی کارکرد زبان در انتقال پیام فراتر می‌رود و خواستار تبیین علل و دلایل است. برای دستیابی به علل باید بدانیم که گفتار نوعی کنش است و شناخت عوامل مؤثر بر کلام، یعنی موقعیت، محل، زمان،

جنسیت کنشگران، جنسیت نویسنده، خواننده و عواملی اجتماعی چون ایدئولوژی و توازن قدرت، در این نوع تحلیل‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. غالباً در رویکردهای تکگفا، به سه مفهوم انتقاد، قدرت و جهان‌بینی توجه می‌شود که در دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی، به آن‌ها نمی‌پردازند.

ون لیوون یکی از پژوهشگران حوزه تکگفا است که در آثارش، گستره وسیعی از رسانه‌های تصویری و متنی و نشانه‌شناسی را تحلیل کرده است (رک: ون لیوون، ۲۰۰۵). وی از نظریه پردازان حلقه موسوم به آمستردام است که فعالیت‌های تحلیل گفتمان را از حوزه سینما و تصویر آغاز کرد. سپس توجهش به کنشگران اجتماعی و چگونگی بازنمایی آن‌ها در رسانه‌ها (روزنامه‌ها، مجلات، اخبار و...) معطوف شد. ون لیوون در الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی، با رویکرد جامعه‌شناختی - معنایی، مؤلفه‌های گفتمانی را در دو دسته کلی حذف و اظهار بیان کرده است؛ یعنی گفتمان را می‌توان با رویکرد پنهان‌سازی یا آشکارسازی عناصری از زبان در سخن هر کنشگر تحلیل کرد. در این پژوهش، نام‌ها و طبقات کنشگران، هویت اجتماعی کنشگران و پیوند آن‌ها با مفاهیم گفتمانی بازنمایی می‌شود.

ون لیوون معتقد است تحلیل گفتمان انتقادی بر این اصل استوار است که نحوه بیان بر تداوم و موجه‌ساختن عوامل تبعیض، نابرابری و اعمال زور بر جامعه از سوی قدرت حاکم، مؤثر است (Van Leeuwen, 2009: 277). برای رسیدن به نتیجه مطلوب در این حوزه، باید متناسب با مبانی فکری و فلسفی در حوزه‌های گفتمان و زبان‌شناسی، از سازوکارها و مؤلفه‌های مؤثر بهره گرفت. گفتمان‌شناسی انتقادی اجزای ترکیب کلام (دستوری و معنایی) را در قالب‌هایی به نام مؤلفه بیان می‌کند و هر مؤلفه مبین کارکردی اجتماعی است که آن را مؤلفه گفتمان‌مدار می‌نامیم (رک: یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۵۴-۵۵). برخی از مؤلفه‌های مؤثر بر تحلیل گفتمان عبارت‌اند از: کاربرد فعل معلوم یا مجهول، چگونگی نام‌دهی به کنشگران و بررسی ارجاع‌ها. هریک از این مؤلفه‌ها می‌تواند زیرمجموعه‌هایی داشته باشد و شبکه پیچیده‌ای از مؤلفه‌های گفتمانی بسازد.

پژوهشگران حوزه تک‌گف‌شیوه حضور یا عدم‌حضور کنشگران بر اساس نام‌ها و طبقات اجتماعی‌شان را معنادار و حایز اهمیت می‌دانند. در الگوی ون‌لیوون، نام‌دهی کنشگران، پیوسته یک پدیده اجتماعی را شرح می‌دهد و یکی از ابزارهای بازشناسی ریشه ارزش‌های اجتماعی است. شیوه نام‌گزینی دال بر صراحت‌گفتمانی است و بازنمایی کنشگران به شیوه طبقه‌بندی، از معیارهای پوشیدگی و رازگونگی متن به شمار می‌آید. نام‌گذاری یعنی گزینش نامی خاص (از میان نام‌هایی که ممکن بود انتخاب شوند) برای معرفی یک رویداد، عقیده، گروه، حزب یا نهاد، به‌طوری که علاوه بر داشتن کارکرد یک نام عادی، از کارکردی ثانوی (نمادین) برخوردار باشد که مرتبط با ساختارهای فرهنگی و اجتماعی است. چگونگی استفاده از این ابزار زبانی، به اوضاع کلی و خصوصاً شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه بستگی دارد. استفاده مداوم از یک واژه می‌تواند باورها و ارزش‌های موجود در جامعه را تثبیت کند (عواطف رستمی، ۱۳۸۶)؛ مثلاً در یک دوره برای معرفی کسانی که دارای دیدگاه خاصی بودند، از واژه «چپ» استفاده می‌شد. بار ارزشی مثبت یا منفی نام‌گذاری، با توجه به زمان و جامعه متغیر است.

۵. بحث و بررسی

این پژوهش، تمامی کنشگران داستان و چگونگی شکل‌گیری پیکره معنایی را بر اساس کنش کنشگران بررسی می‌کند. می‌توان گفت مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی، کارکرد اجتماعی مجموعه‌ای از اعمال، نگرش‌ها و بینش‌هایی است که در جامعه نهادینه شده‌اند و کنشگران اجتماعی در یک جامعه، معمولاً در قالب الگوهای مشخص و پیش‌بینی‌پذیر رفتار می‌کنند؛ مثلاً در سوشون کنشگران اجتماعی مانند یوسف، زری، زینگر، ابوالقاسم‌خان و حاکم وجود دارند که هر یک مطابق وظیفه خود اعمالی را انجام می‌دهند و سخن هر کدام از آنان در قالب جهان‌بینی‌شان معنی می‌یابد یا تفسیر می‌شود. هر یک از کنشگران، متناسب با زمینه و بافت زبان‌شناختی و نوع روابط قدرت حاکم بر اجتماع، با کمک مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی در گفتمان تصویرسازی می‌شود.

ادبیات داستانی و شخصیت‌پردازی در آن، مقیاس کوچکی برای بازنمایی واقعیات جامعه است و مخاطب با گذر از جهان داستان، محیط آن را ادراک می‌کند. نویسنده با خلق هویت‌های متفاوت و بازنمایی‌اش در نام‌ها و طبقات اجتماعی، به‌عنوان کنشگر رابط زنجیره‌اندیشگانی بین مخاطب و قدرت پنهان حاکم بر جامعه می‌شود و این نقش خواسته یا ناخواسته، گاهی ضامن تداوم یک اندیشه و ایدئولوژی در بستر گفتگمانی است. در نقد باید به عناصر نهفته متن توجه داشت. یکی از عناصری که تناظر چشمگیری با ژرف‌ساخت متن دارد، شیوه نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران است. در نام و نقش کنشگران نیز طیف وسیعی از شخصیت‌ها دیده می‌شود که کنش اجتماعی آنان با طرحی قبلی تعیین شده است و نویسنده از نام‌دهی، به‌منزله ابزاری برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کند و این رفتار نمادین، شکل متفاوتی از کنش را نشان می‌دهد. اگر رابطه کنش و نام را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که این دو در ژرف‌ساخت با هم تفاوت دارند؛ مثلاً «غلام» در سووشون با توجه به معنی واژه و نقشش در داستان، بیشتر در حکم ابزار است تا کنشگر و در مقابل، «زینگر» کنشگری است که پنهانی از ابزارها بهره می‌برد تا کنش‌پذیران از هر قشری (دختران مدرسه، حاکم و دیگران) را به اختیار خویش بگیرد. انگار نام‌ها، ویژگی‌های تعریف‌شده‌ای دارند که بر اثر تکرار و طبیعی جلوه‌دادن آن ویژگی‌ها، هژمونی ایجاد می‌کنند؛ مانند خانم زهرا و خانم فاطمه.

می‌توان گفت دانشور در این رمان، از نام‌دهی و قدرت نام‌ها برای برانگیختن تداعی‌ها در ذهن مخاطب، به بهترین شکل بهره برده و این تداعی در خدمت ایدئولوژی است. کاربرد مؤلفه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی، عاملی برای برقراری پیوند میان اسطوره‌های ایرانی و مذهبی و همچنین بازنمایی طبقات در نظام اجتماعی ایران است. در این متن، تمامی جلوه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی در الگوی ون‌لیوون، کاربرد معناداری دارند.

۵-۱. نام‌دهی

اگر کنشگران اجتماعی با توجه به هویت منحصر به فرد خود بازنمایی شوند، شیوه نام‌دهی به کار رفته است. البته نام‌دهی معمولاً با به‌کارگیری اسم خاص برای شخصیت‌های داستانی تحقق می‌یابد. در تحلیل گفتمان یک اثر، پژوهشگران در پی تفسیر رفتار نویسنده در نام‌دهی هستند که طبقه‌بندی را برای کدام کنشگران و نام‌دهی را برای کدام کنشگران به کار برده است. در داستان‌ها، برای شخصیت‌های فرعی که نقش‌های کوتاه و گذرا دارند و توجه مخاطب را جلب نمی‌کنند، کمتر از شیوه‌های نام‌دهی استفاده می‌شود، مگر اینکه گفتمان اثر، هدف خاصی را دنبال کند. در پژوهشی که ون‌لیوون (۱۹۹۶) در مطبوعات، در خصوص یک موضوع واحد انجام داد، به این نتیجه رسید که روزنامه‌های طبقه متوسط، تنها افراد عالی‌رتبه دولتی را از طریق نام‌دهی بازنمایی می‌کنند؛ در حالی که روزنامه‌های طبقه کارگر، افراد معمولی را از این طریق بازنمایی می‌کنند. دیگر اینکه، جنسیت بر انتخاب شیوه‌های نام‌دهی تأثیرگذار است. در حقیقت، وقتی تأکید بر نام اشخاص باشد، نویسنده می‌خواهد قدرت کنشگران در جامعه نشان داده شود. «نظریه پردازان گفتمان معتقدند تعابیر زبانی که در گفت‌وگوهای روزمره به کار می‌بریم و از رسانه‌ها می‌شنویم، در نحوه ارتباط ما با دیگران و حتی در کسب هویتمان تأثیر بسزایی باقی می‌گذارد» (برگر، ۱۳۹۸: ۱۱۲). می‌توان گفت نویسنده داستان، بخش مهمی از اندیشه خود را در پشت نام‌ها و عناوین پنهان کرده و در جاهای مختلف رمان، به اهمیت اسم و کنش مرتبط به آن اشاره می‌کند؛ مثلاً در نمونه زیر، نویسنده فلاکت شخصیت را با توجه به حذف یا ذکر نام و لقبی که به نوعی هویت اوست، بازنمایی می‌کند و با ایجاد تضاد بین نام «فصیح الزمان» و کنش او (حرف‌نزدن)، انتقاد خود را نشان داده است.

«ای وای! نه خانمی، نه القابی، اسم مادرم فصیح الزمان بود. فصیح الزمانی که یک کلمه حرف نزد که...» (دانشور، ۱۳۸۰: ۷۹).

انواع نام‌دهی عبارت‌اند از:

الف. نام‌دهی رسمی: طبق الگوی ون‌لیوون، در نام‌دهی رسمی، تنها نام خانوادگی کنشگران همراه با ذکر القاب یا بدون ذکر القاب به کار می‌رود؛ مانند آقای فتوحی و خانم مسیحادم. در تحلیل نام‌دهی رسمی، فقط به نام خانوادگی اکتفا نکرده‌ایم؛ زیرا این رمان مربوط به دوره‌ای است که کاربرد نام خانوادگی رایج نبوده، بلکه بیشتر شغل اشخاص یا شاخص طبقاتی آن‌ها در کنار اسم به‌عنوان معرف رسمی به کار می‌رفته است.

مثال: «مرحوم حاج حکیم‌باشی، پدرشان هنوز زنده بود» (همان: ۷۵).

«جنس را تحویل میرزا آقای حناساب بدهد» (همان: ۱۶۹).

در میان مردم آن روزگار، کاربرد نام خانوادگی معمول نبود و القابی رایج در دوره قاجار به کار می‌رفت؛ مانند عزت‌الدوله و قدس السلطنه. این می‌تواند شکلی از نام‌دهی رسمی باشد که در رمان سووشون رایج است و البته با توضیحات ون‌لیوون مطابقت ندارد. در رمان سووشون برای شخصیت‌های محدودی، نام‌دهی رسمی مطابق الگوی ون‌لیوون به کار رفته است؛ مثل آقای فتوحی. این نام با شخصیت و نقش او پیوند خورده است. به دو دلیل برای شخصیت فتوحی، از نام‌دهی رسمی استفاده شده است: اول اینکه، او شغل معلمی دارد و بازنمایی او با نام‌دهی رسمی نشان می‌دهد در ساختار اداری از شیوه رسمی استفاده می‌شود و دوم اینکه، نویسنده نوعی نگاه طنزآمیز به تفکر سوسیالیستی دارد؛ چون فتوحی در این داستان، نماینده حزب توده است که با انتقاد زری روبروست. گاهی در گفت‌وگوهای زبان فارسی، نام‌دهی رسمی کاربرد تهکمی دارد. با توجه به دیگر شواهد موجود در متن (رک: دانشور، ۱۳۸۰: ۱۲۶-۱۵۲) به نظر می‌رسد نویسنده آگاهانه این شیوه نام‌دهی را برای آقای فتوحی برگزیده تا بگوید حزب او بیشتر به ظاهر امور می‌پردازد و در سطح یک نام رسمی است و باطن کاری که انجام می‌دهد، نقدپذیر است.

یکی دیگر از شخصیت‌های داستان که نام‌دهی رسمی برای او به کار رفته، خانم فتوحی است. تنها زنی که صدای متفاوتی در رمان دارد و کاربرد نام‌دهی نیز برای او با

دیگران متفاوت است. در تحلیل گفتمان، باید به این تفاوت‌ها توجه کرد. زنان در سووشون تمام تلاش خود را صرف حفظ وضعیت موجود می‌کنند و خیلی راحت با شرایط اجتماعی پیش آمده کنار می‌آیند؛ حتی رفتارها و سخنان زری همان طور که یوسف به آن اشاره می‌کند، «نمایشی به اسم شجاعت» (همان: ۱۲۹) است؛ اما این توضیح درباره‌ی خانم فتوحی صدق نمی‌کند. او جسارت کرده و آغازگر تغییری بوده که جامعه آن را نمی‌پذیرد تا جایی که او را به جنون می‌کشاند. او جایگاه کنشگری خود را بالاتر از «نورحماده» (۱۸۸۸-۱۹۶۹) می‌داند (همان: ۱۰۷). می‌توان گفت این آغازگری بی‌ارتباط با نام فتوحی و معنی گشایش و فتح باب نیست.

نویسنده از نام‌دهی رسمی برای خانم حکیم و خانم مسیحادم بهره برده که این نام‌ها پیوند مستقیم با کنش آن‌ها در داستان دارد. هر دو از مسیونرهای مسیحی و پزشک هستند.

ب. نام‌دهی نیمه‌رسمی که در آن نام و نام خانوادگی در کنار هم ذکر می‌شود؛ مانند مک ماهون و سرجنت زینگر. در این رمان، شیوه‌ی نام‌دهی نیمه‌رسمی مطابق الگوی ون‌لیوون فقط برای شخصیت‌های خارجی داستان به کار رفته است؛ اما شکل دیگر نام‌دهی نیمه‌رسمی که برگرفته از جامعه‌ی نویسنده است، کاربرد نام در کنار شغل یا طبقه اجتماعی اشخاص است؛ مانند حسین آقای عطار، حاج محمدرضای رنگرز. همان طور که در نام‌دهی رسمی اشاره شد، در دوره‌ی تاریخی که حوادث داستان در آن اتفاق افتاده، هنوز نام خانوادگی و حتی داشتن شناسنامه رایج نبوده و بسیاری از نام‌های خانوادگی برگرفته از شغل و پیشه‌ی خانوادگی اشخاص بوده است.

«حاجی محمدرضای رنگرز دم در باغ قدم می‌زد، اما حسین آقای عطار تو آمده بود» (همان: ۳۱).

پ. نام‌دهی غیررسمی که در آن، تنها نام کنشگر ذکر می‌شود و این مؤلفه همان کاربرد رایج نام‌ها در گفت‌وگوهای خودمانی است که در آثار داستانی بسیار پرکاربرد است؛ مانند زری (۸۷۸ بار)، یوسف (۳۰۰ بار)، خسرو (۲۲۹ بار).

ت. عنوان دهی. عنوان دهی خود دو شکل دارد: ۱. مقام دهی: اگر لقب، پست، سمت و نظایر آن به اسم کنشگر اضافه شود، مقام دهی به کار رفته است؛ مانند دکتر عبدالله خان و یوسف خان. در این رمان، مقام دهی رسمی و اداری چندان کاربرد ندارد؛ بلکه کاربرد این مؤلفه در راستای نظام ارباب- رعیتی است؛ مثلاً عنوان خان (۳۲۳ بار) در این رمان، بیشترین بسامد را دارد. بعد از آن، عنوان دکتر (۵۴ بار) قرار دارد که در دیدگاه نویسنده، دارای جایگاه ویژه‌ای است. همچنین شاخص حاجی (۷۳ بار) در این اثر به کار رفته است که در مقایسه با کاربرد دیگر شکل‌های نام‌گزینی در این اثر درمی‌یابیم که نویسنده، این طبقات اجتماع را به‌عنوان نمایندگان قدرت بازنمایی کرده است؛ چون دیگر شخصیت‌های داستان را عمدتاً بدون شاخص نام برده و از لحاظ گفتمانی، این اشخاص کنشگر نیستند؛ بلکه کنش‌پذیرند. ۲. نسبت دهی: اگر کنشگران اجتماعی بر اساس روابط سببی و نسبی خود بازنمایی شوند، نسبت دهی به کار رفته است؛ مانند عمه خانم و دختر حاکم. نسبت دهی در این رمان پر کاربرد است و نشان می‌دهد که در جامعه نویسنده، روابط خانوادگی در مرکز توجه قرار دارد و شناسه اشخاص بیشتر از هر چیز، نسب خانوادگی است و این گفتمان بر کل اثر حاکم است.

می‌توان به شکل دیگری از نام دهی در رمان سووشون اشاره کرد؛ از جمله کاربرد یک شاخص همراه با نام کنشگران، مانند خانم فاطمه، خانم زهرا، ابوالقاسم خان و ملک سهراب.

در این اثر، نام دهی دو شخصیت جالب توجه است: یکی نام «زری» که شکل دیگری از واژه «زهرا» است و در کل روایت بیشتر از همه تکرار می‌شود (۸۷۸ بار). فقط هفده بار «زری» مورد خطاب شخصیت‌های داستان است و بقیه موارد از زبان راوی بیان شده است؛ اما در گفت‌وگوهای راویت، همیشه او را با عنوان «خانم زهرا» (۲۳ بار) مخاطب قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد نویسنده برای انتخاب نام زری، به چند نکته توجه داشته است؛ از جمله پیوند دادن فرهنگ ایرانی و عربی. زری واژه‌ای ایرانی معادل زهرا در عربی است. دیگر اینکه، زری نمادی از خود نویسنده است (زر «زری» یادآور سیم

«سیمین» است). در نام‌دهی، عمه خانم یا قدس‌السلطنه نیز همواره با عنوان «خانم فاطمه» بازنمایی می‌شود؛ در حالی که پیش از نام هیچ‌یک از کنشگران زن این رمان، واژه شاخص احترام‌آمیز به کار نرفته است. با توجه به زمینه داستان، این ظن تقویت می‌شود که واژه «خانم» احترام به نام فاطمه و زهراست و همراهی این نام‌ها با شاخص احترام، ناشی از ایدئولوژی نویسنده و احترام به فرهنگ جامعه است. شاید به‌عنوان زن روشن‌فکر که «زری»، به تعبیری دانشور، نماینده آن است، کاربرد ضدآرزشی نام‌هایی چون زینب زیادی، هند جگرخوار و امثال آن مورد انتظار نیست؛ اما در کل اثر دیده می‌شود و از لحاظ گفتمانی، تأثیر ایدئولوژی بر این بازنمایی‌ها آشکار است. شاخص‌های «خان» و «ملک» به معنای «زمین‌داران بزرگ» و «حشم‌داران بزرگ» بر سر نام اشخاص نیز بیانگر طبقه اجتماعی آنان است.

در این اثر نویسنده به شکلی نمادین، واقعیات تاریخی و سیاسی را با نام‌ها بازگو کرده است؛ مثلاً انتخاب نام‌های اساطیری ایرانی برای کنشگران، بیانگر ایستادگی در برابر سیاست استعماری بیگانگان است که تحوّل زبان، یکی از اهداف آن است.

۵-۲. طبقه‌بندی

طبقه‌بندی کردن حالتی است که کنشگران اجتماعی با توجه به هویت جمعی و نقش‌هایی که در آن، با دیگر کنشگران سهیم هستند، بازنمایی می‌شوند. گاهی اگر در جامعه تأکید بر اتحاد و هماهنگی میان طبقات اجتماعی باشد، کنشگران به شکل طبقه نشان داده می‌شوند. «کنشگران ممکن است برحسب نقش یا کاری که انجام می‌دهند، طبقه‌بندی شوند؛ مانند آموزگار، راننده، موسیقی‌دان یا برحسب ارزش فرهنگی یا اجتماعی که به شخص یا گروه داده شده، طبقه‌بندی شوند» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۵). در این مؤلفه، به‌جای شخصیت منفرد اشخاص، به نقش جمعی آن‌ها توجه می‌شود. طبقه‌بندی زیرمجموعه‌هایی دارد که عبارت‌اند از: نقش‌دهی، هویت‌دهی و ارزش‌دهی.

الف. نقش دهی: در این شیوه، کنشگران اجتماعی بر اساس شغل و فعالیتی که انجام می‌دهند، بازنمایی می‌شوند؛ مانند «سریاسبان خشمناک داد زد: گفتم متفرق شوید» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۹۸)؛ «انگار مدیر مدرسه اشاره به کلنل کرد؛ چرا که حاکم یک بار دیگر با کلنل دست داد و بعد دستش را رو به سربازهای هندی دراز کرد» (همان: ۱۰). در این مثال‌ها کنشگران مشخص شده، با شغل و فعالیت اجتماعی خود بازنمایی شده‌اند. نقش دهی در متن، همیشه تصویری است از نقش‌های اجتماعی رایج در برهه‌ای از زمان، مانند نقش‌های نظامی و درمانی که در متن بیشتر دیده می‌شود یا نقش خدمتکار و نان‌بند و کلفت که گروهی را در خدمت گروه دیگر نشان می‌دهد و این بیانگر انفعال و وابستگی کنشگران است.

ب. هویت دهی: هویت را در علوم انسانی با تعاریف متفاوت تبیین کرده‌اند؛ بنابراین ارائه یک تعریف از آن، چه بسا قانع کننده نباشد. ناگزیر در اینجا به این سخن براهنی بسنده می‌کنیم: «سقراط گفته است که انسان هرطور باشد، زبانش نیز همان طور است. [این سخن سقراط را] می‌توان از نظر قصه [چنین] گسترش داد که... شخصیت قصه هرطور باشد، زبانش نیز همان طور است» (براهنی، ۱۳۶۸: ۳۲۴). می‌توان گفت «شخصیت و منش هر فرد، جنبه‌هایی از چیزی بنیادی است که اصطلاحاً آن را هویت می‌نامیم [کما اینکه] نظریه پردازان گفتمان [جواب] پرسش «من کیستم؟» را با رهیافت دیگری پاسخ می‌دهند: من زبان را چگونه متفاوت با دیگران به کار می‌برم» (برگر، ۱۳۹۸: ۲۸۱). در هویت دهی نیز به کاربرد متفاوت زبان در بازنمایی کنشگران بر اساس جنسیت، نژاد، نسب‌های خانوادگی و اجتماعی یا ویژگی‌های ظاهری‌شان نه بر اساس فعالیت‌هایشان، توجه می‌شود. این دسته‌بندی‌ها از یک جامعه به جامعه دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متغیرند.

به همین اعتبار، هویت دهی سه زیرمجموعه دارد:

۱. هویت‌بخشی مقوله‌ای: کنشگران بر اساس قراردادهای طبیعی، فرهنگی و تاریخی تعریف شده‌اند؛ مانند نژاد، ملیت، جنس، مذهب، حرفه و طبقه اجتماعی و بر همین اساس بازنمایی می‌شوند.

مثال: «سودابه هندی تا صبح پهلویم نشست و پایه‌پایم اشک ریخت» (دانشور، ۱۳۸۰: ۷۱). در این نمونه، کنشگر بر اساس نژاد بازنمایی شده است. هدف این نوع بازنمایی تحقیر است که در گفتمان اثر پرتکرار است. می‌توان گفت کشور و نژاد و مذهب نویسنده بر گفتمان اثر سایه افکنده است.

مثال: «خسرو گفت: ما تصمیم گرفته‌ایم با افسرهای انگلیسی یک کلمه حرف نزنیم. حتی دیگر کاری به کار سربازهای هندی‌شان هم نداریم» (همان: ۲۲۵). در این نمونه، افراد بر اساس کشور و نژاد بازشناسی شده‌اند. در بازنمایی کنشگران رمان، اشاره به نژاد، ملیت و توجه به شغل‌های نظامی و وابسته اهمیت دارد که با نوعی تحقیر همراه شده و کاربرد این واژه‌ها در حیطه مناسبات قدرت، نمادی از استعمار و مزدوران استعمار است. این تحقیر هویتی ناشی از تفکر بنیادین در جامعه است که معمولاً دیگرانی که دهاتی، هندی، ایلیاتی، بی‌سوادند، مقصر جلوه داده می‌شوند.

۲. هویت‌بخشی نسبتی: کنشگران بر اساس روابط خویشاوندی، دوستی و شغلی بازنمایی می‌شوند. ون‌لیوون می‌گوید: در متن‌های مدرن، هویت‌دهی نسبتی کمتر به کار می‌رود و به جای آن، بیشتر از هویت‌دهی مقوله‌ای و ظاهری استفاده می‌کنند (Van Leeuwen, 2008: 43). در این متن، هویت‌دهی نسبتی بسیار پرکاربرد است و این، بیانگر سنتی بودن جامعه است و نویسنده سعی در حفظ آن سنت‌ها دارد.

مثال: «زری حرف برادر شوهرش را برید و گفت: خان عمو، عمه خانم اینجا بزرگ‌تر همه ما هستند» (دانشور، ۱۳۸۰: ۲۵)؛ «مگر برادر شوهرتان می‌گذارد حمید خان دست روی مال شما بیندازد؟» (همان: ۲۸۲).

۳. هویت‌بخشی ظاهری: کنشگران بر اساس خصوصیات جسمی، به‌ویژه وضع ظاهری‌شان بازنمایی می‌شوند.

نویسنده در این رمان، به تناسب توصیف اشخاص که در رمان نویسی به آن توجه می‌شود، از این مؤلفه استفاده کرده، اما بیشتر هویت بخشی ظاهری برای برجسته کردن تقابل و تحقیر است: «خسرو از سید محمد پرسید: دلالت زینگر همان خپله آبله رو نیست؟» (همان: ۲۵۰). در این نمونه، ویژگی ظاهری کنشگر با هدف گفتمانی تحقیر بازنمایی شده است؛ «حاکم با کلنل لوچ... به چادر آمدند» (همان: ۳۵). در این جمله، کلنل انگلیسی با حالت چشمانش بازنمایی شده است. نویسنده نارضایتی خود را از حضور انگلیسی‌ها در کشورش، این چنین بیان کرده است. البته با توجه به ساختار نمادین اثر می‌توان گفت «لوچ بودن» نمادی از ندیدن واقعیت‌های اجتماعی ایران است. عزت‌الدوله، ضد قهرمان داستان، نیز لوچ است. نویسنده با هویت بخشی ظاهری، کنش‌های او را که پیوسته در خدمت عناصر قدرت است، به چالش کشیده است (رک: دانشور، ۱۳۸۰: ۸، ۱۶۰، ۲۸۱ و ۱۵۶)؛ مثلاً در نمونه زیر، اشاره می‌شود که عزت‌الدوله واقع بین نیست و اموال مردم را بیشتر از واقعیت می‌بیند که از نتایج لوچ بودن او است.

«این دسته گل را همان عزت‌الدوله به آب داده، با آن چشم‌های لوچ حساب داروندار همه اهل شهر را دارد» (همان: ۸). این گفتمان تقابلی در کل اثر مشهود است. پ. ارزش‌دهی: در این شیوه، کنشگران با استفاده از اصطلاحات تقابلی و ارزشی که بار معنایی مثبت یا منفی دارند، بازنمایی می‌شوند. البته این ارزش‌ها پایدار نیستند و پیوند مستقیم با اعتقاد مردم جامعه دارند و از جامعه‌ای به جامعه دیگر متغیرند.

مثال: «آن روز که با یکی از سوگلی‌هایش هم سفره شد» (همان: ۲۳۰). در اینجا دانشور با واژه «سوگلی» که بار معنایی انتقادی دارد، کنشگر را بازنمایی کرده است.

مثال: «آن دختره دهاتی با نیم‌وجب قدوبالا چه چیزها بلد بود. گفتم هرچه می‌خواهی به تو می‌دهم، بیا و شرّت را کم کن. امیدش به تخم حرامی بود که در شکمش بود» (همان: ۹۳). در اینجا فردوس، کلفت عزت‌الدوله، با عنوان دختره دهاتی و فرزندش با واژه تخم حرام معرفی می‌شود. در این نمونه، هویت دهی ظاهری نیز وجود دارد.

جدول ۱. بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار نام‌دهی و طبقه‌بندی در رمان سووشون

| گزینش لغات و تعبیرات خاص | | | | | | | | | |
|--------------------------|----------------|---------------|-------------------|---------|-----------------|----------|-----------------|-------------------|--------------|
| نمودهای طبقه‌بندی | | | | | نمودهای نام‌دهی | | | | |
| ارزش‌دهی | هویت‌دهی | | | نقش‌دهی | عنوان‌دهی | | نام‌دهی غیررسمی | نام‌دهی نیمه‌رسمی | نام‌دهی رسمی |
| | هویت‌دهی ظاهری | هویت‌دهی نسبی | هویت‌دهی مقوله‌ای | | نسبت‌دهی | مقام‌دهی | | | |
| | | | | | | | ۱۰۹ | ۶۷ | ۱۱۷۲ |
| | | | | | | | | | |

توزیع
واژگان
نمایانگر
کنشگران

نویسنده در این رمان توانسته با استفاده از روایت و امکانات موجود در ساختار زبان و قراردادهای فرهنگی و اجتماعی خود، اثر ارزشمندی بیافریند و با بهره‌گیری از عناصر گفتمان‌مدار نام‌دهی و طبقه‌بندی، ما را در شناخت ابعاد فکری و ایدئولوژی حاکم بر جامعه یاری دهد. با توجه به نکات مذکور، می‌توان گفت درک یک اثر داستانی، بستگی به شناخت مؤلفه‌های معنایی دارد که در ساختار زبان و گزینش‌های زبانی پنهان شده است. همچنین عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نقش مؤثری در تعیین مؤلفه‌های گفتمانی، چون نام‌دهی و طبقه‌بندی دارد.

گفتمان قدرت در سووشون، یک‌طرفه و بر مبنای زور نیست؛ بلکه خوانشی از عقلانیت است؛ به عبارتی، تقابل آگاهی در برابر بهره‌کشی است. قدرت به شکل کنشی تعاملی و دوطرفه در داستان دیده می‌شود و صرفاً مالکیت ابزار نیست. نمایندگان دو طرف قدرت، یکی حاکم شیراز، انگلیسی‌ها و نماینده آنان (زینگر) و خان کاکا که با زور و سلطه، سعی در حفظ قدرت خود دارند و بیشتر به شکل طبقه‌بندی مطرح شده‌اند و در مقابل، یوسف و همراهانش که با سلطه و بهره‌کشی در جامعه مخالف هستند و خود نیز دارای قدرت‌اند. مؤلفه‌های قدرت این گروه، آگاهی تاریخی، ملی و مذهبی است که عمدتاً با نام‌دهی و جلوه‌های آن بازنمایی شده است. نمود کامل این تقابل، در فصل پایانی رمان (تشییع جنازه) مشهود است که دوستان خان کاکا با مؤلفه نقش‌دهی

«وکیل سابق شهر»، «محضر دار»، «مدیر روزنامه» و دوستان یوسف با نام‌دهی نیمه رسمی و غیررسمی بازنمایی شده‌اند (رک: دانشور، ۱۳۸۰: ۲۹۰-۲۹۱). قدرت را در سوشون می‌توان با دیدگاه فوکو تبیین کرد. به باور وی، روابط قدرت، ماهیتی پویا و متحرک دارد و بر روابط اجتماعی در همه سطوح حکم فرماست و نقش موگد دارد (ضیمران، ۱۳۸۹: ۱۵۷). نام‌دهی و طبقه‌بندی، مؤلفه‌های اجتماعی-معنایی هستند که ارتباط مستقیم با طبقات جامعه دارند. به نظر می‌رسد نویسنده تلاش می‌کند عقاید جاری در جامعه را با نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران بازنمایی کند؛ به همین دلیل، قدرت در این اثر سیال است و با نام‌ها و هویت‌های مختلف کنشگران ارتباط دارد؛ چنان که می‌بینیم مرگ یوسف نیز موگد هویتی تازه برای زری و همراهان اوست. در تحلیل گفتمان، گروهی که بتواند فکر دیگران را کنترل کند، قدرت جمعی بیشتری دارد و این قدرت به واسطه دسترسی به اطلاعات ایجاد می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۷). این نکته درباره شخصیت یوسف صدق می‌کند که با داشتن سواد و معلومات، قدرت کنترل او و تأثیرگذاری اش بر دیگر شخصیت‌ها بیشتر است.

۶. نتیجه گیری

با بررسی نموده‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی در این رمان دریافتیم:

۱. در این رمان از تمامی جلوه‌های نام‌دهی و طبقه‌بندی استفاده شده است. از زیرمؤلفه‌های نام‌دهی، نام‌دهی غیررسمی و از زیرمؤلفه‌های طبقه‌بندی، هویت‌دهی نسبی، بیشتر به کار رفته است. تضادهایی چون ارباب و رعیت، باسواد و بی‌سواد، سنت و تجدد و سرگردانی کنشگران میان تقابل قدرت‌ها، گفتمان اصلی متن را تشکیل می‌دهد.

۲. نویسنده در بازنمایی کنشگران، تحت تأثیر قدرت، ایدئولوژی و سیاست بوده است؛ به همین دلیل، غالب کنشگران زن یا مرد شخصیت‌های اصلی نسل جوان و نوجوان داستان، همچنین ایلیاتی‌ها نام‌های ایرانی و باستانی دارند و شخصیت‌های میان‌سال، دارای نام عربی هستند. تأثیر مذهب بر بیشتر نام‌ها مشخص است. می‌توان

گفت نویسنده خواسته اعلام کند که مذهب عامل جدایی از ریشه‌های ملی نشده، بلکه زمینهٔ مقابله با تسلط بیگانگان را فراهم ساخته است.

۳. نویسنده با استفادهٔ تمثیلی از نام‌های اساطیری ایرانی، علاقهٔ خود را به فرهنگ ایران ابراز کرده است؛ اما این علاقه برای مخالفت با فرهنگ ایران اسلامی نیست و در این رمان، بین دین قدسی شده و فرهنگ ایرانی، آشتی وجود دارد.

۴. در این رمان، تصویر زنان پررنگ‌تر، اما تأثیرشان بر گفتمان اجتماعی ضعیف است.

۵. نویسنده با استفاده از مؤلفه‌های گفتمانی، نقش اجتماعی جدیدی را برای زنان مطرح می‌کند تا اهمیت حضور آنان را در جامعه تبیین نماید. او قدرت گفتمان مردسالار در جامعه را مانع تحوّل هویتی زن می‌داند. نویسنده به‌عنوان نمایندهٔ زن روشن‌فکر و تحصیل‌کرده، در قالب شخصیت‌هایی چون زری، مهری، خانم فتوحی، خانم مسیحادم و... می‌خواهد هویتی نوین را برای زنان بازنمایی کند. البته گفتمان مردسالار جامعه در برابر این تغییرات ایستادگی می‌کند و این از لحاظ گفتمان‌شناسی اهمیت دارد. زری علی‌رغم اینکه نمی‌تواند خود را از سلطهٔ نهادینه شدهٔ یوسف (مرد) رها کند، تلاش می‌کند زن متفاوتی باشد و این، سرآغاز تحوّل است.

۶. در این رمان، اغلب کنشگران نام مشخصی دارند و زمانی به شکل طبقه بازنمایی می‌شوند که عنصر سلطه مطرح با شد. این نکته نشان می‌دهد جامعهٔ نویسنده گرفتار چند صدایی است. فقط دشمن مشترک و لزوم مبارزه با آن، عامل هم‌صدایی طبقات جامعه می‌شود. در این رمان برای نشان‌دادن قدرت پنهان کنشگران در برابر سلطه، از شیوهٔ نام‌دهی استفاده شده است. اغلب خانوادهٔ یوسف، دوستان و هم‌فکرانش با یکی از شیوه‌های نام‌دهی و حاکم و همراهانش با یکی از شکل‌های طبقه‌بندی بازنمایی شده‌اند.

۷. نویسنده با تأکید بر نام‌های مشخص، تأثیر خود و شخصیت‌های نمادینش را بر گفتمان جامعه نشان می‌دهد. کنشگرانی که شخصیت مستقل دارند، می‌توانند تغییری در جامعه ایجاد کنند؛ اما همواره مشکلات اجتماعی، آن‌ها را سرکوب می‌کند.

۸. در این رمان، یوسف کنشگری است که مطابق طبقه اجتماعی خود رفتار نمی‌کند. او معیارهای اجتماعی را به چالش می‌کشد؛ اما دامنه تغییری که ایجاد می‌کند، محدود است و با کشته‌شدنش توازن قدرت بر هم می‌خورد. می‌توان گفت گفتمان این اثر، آزاداندیشی و آرمان‌گرایی را مقهور سیاست و سلطه نشان می‌دهد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴)، **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: علمی و فرهنگی.
- آقاگل‌زاده، فردوس و همکاران (۱۳۸۹)، **کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه‌شده «خواهران» جیمز جویس**، جستارهای زبانی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱-۲۴.
- _____ (۱۳۹۲)، **مطالعه تحقیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی**، جستارهای زبانی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱-۱۹.
- احمدزاده، هاشم (۲۰۰۳)، **از رمان تا ملت**، ترجمه بختیار سجادی، سندج: دانشگاه کردستان.
- براهنی، رضا (۱۳۶۸)، **قصه‌نویسی**. تهران: البرز.
- برگر، آرتور آسا (۲۰۱۶)، **گفتمان کاربردی**، ترجمه حسین پاینده، تهران: مروارید.
- پاینده، حسین (۱۳۹۴)، **گشودن رمان**، تهران: مروارید.
- حیدرپورفرد، فاطمه (۱۳۹۳)، **بازنمایی شخصیت‌های زنان در رمان‌های سیمین دانشور بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- دانشور، سیمین (۱۳۸۰)، **سووشون**، تهران: خوارزمی.
- دسپ، علی (۱۳۸۸)، **تحلیل گفتمان غالب در رمان‌های سیمین دانشور**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- رنجبر، ابراهیم (۱۳۹۱)، **جنبه‌های نمادین رمان سووشون**، فنون ادبی، شماره ۱، صص ۹۳-۱۰۶.

بلاغت نام‌گزینی در رمان «سووشون» بر اساس الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی... — ۲۹

- ضیمران، محمد (۱۳۸۹)، **میشل فوکو: دانش و قدرت**، تهران: هرمس.
- عواطف‌رستمی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، **تحلیل گفتمان انتقادی زبان، ایدئولوژی و مطبوعات**، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان.
- غلامعلی‌زاده، خسرو و همکاران (۱۳۹۶)، **نام‌دهی و طبقه‌بندی کنشگران اجتماعی در داستان آل بر اساس الگوی ون‌لیوون**، جستارهای زبانی، دوره ۸، شماره ۷، صص ۷۱-۸۹.
- فلاح، ابراهیم و سجاد شفیع‌پور (۱۳۹۹)، **واکاوی تطبیقی بافتارهای گفتمان‌مدار روایت حضرت نوح در دو سوره هود و نوح بر محور الگوی ون‌لیوون**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۱، شماره ۲۲، صص ۲۹۷-۳۲۲.
- قبادی، حسین‌علی، فردوس آقاگل‌زاده و سیدعلی دسپ (۱۳۸۸)، **تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور**، فصلنامه نقد ادبی، سال ۲، شماره ۶، صص ۱۴۹-۱۸۳.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۵)، **دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر**، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.
- ون‌لیوون، تئو (۲۰۰۵)، **آشنایی با نشانه‌شناسی اجتماعی**، ترجمه محسن نوبخت، تهران: علمی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۹)، **ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی**، تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۹۳)، **درآمدی به گفتمان‌شناسی**، تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۹۵)، **تجزیه و تحلیل مقابله‌ای گفتمان‌شناختی**، تهران: هرمس.

